

انفجار اجتماعی در فرانسه

تداوم مبارزات حاشیه نشینهای پاریس و چند شهر بزرگ فرانسه نظیر: لیون، تولوز، لیل و ... هیئت حاکمه فرانسه را به هراس واداشته است. هر روز که می گذرد امپریالیسم فرانسه ترسناک از ادامه آتش سوزیها ونگران از سرایت آن به تمام شهرها و روستاها، بجای مذاکره با قیام کنندگان به سرکوب بیشتر آنها مبادرت می نماید. در توصیف این وضعیت هولناک مطلبی را از گروه احیاء کمونیستی بر گزیده ایم که در زیر در اختیار علاقمندان قرار می دهیم.

انفجار اجتماعی که هم اکنون مناطق حاشیه نشین شهرهای مختلف فرانسه را در بر گرفته است، حاصل سیاست تحریک و رفتار فاشیستی نیکولا سارکوزی وزیر کشور و دولت وقت می باشد. با الهام گرفتن از اندیشه خشن پلیسی وارداتی از ایالات متحده جرج بوش، «نظم»، سارکوزی وزیر کشور ماجراجو و جایزه بگیر همانند وزیر کشور قبلی: دومینیک دو ویل پن (نخست وزیر فعلی)، وقت و انرژی خود را به کنترل جوانان، سرکوب سندیکاها، کارگری، دانش آموزان و دهقانان، و همچنین به تحریک و تحقیر نمودن ساکنین محلات فقیرنشین سپری می کند. بعد از بیکارسازی و بیرون راندن مددکاران اجتماعی از این محلات، سارکوزی به طور مدام با توصیف جوانان این محلات به «ولگرد» و «جوانان طبقه پست»، به تحریک، توهین، ناسزاگویی و تهدید آنها می پردازد. (جمله «شستشوی شهرک کورنوف در شمال پاریس با آب فشار قوی» از اظهارات وی می باشد). اخیرا با وضع قانون سال ۱۹۵۵ مبنی بر استقرار مقررات منع آمد و شد (که از ۹ نوامبر به مورد اجراء گذارده شده است)، محاصره و اشغال مناطق زندگی این جوانان به اوج خود رسیده است. وضع مجدد این قانون، تهدیدی است برای آزادی.

وضعیت جنگ داخلی فعلی، حاصل سیاست فاشیستی حکومت غیرقانونی، ضداجتماعی، ضدملی و ضدجوانان میباشد. حکومتی که جنگ اجتماعی واقعی را در راستای منافع ثروتمندان محله نویی پاریس (محله ای واقع در غرب پاریس) و مدیران کل ۴۰ کمپانی طراز اول فرانسه، علیه طبقات زحمتکش به پیش می برد. از مدتها قبل، تحت پوشش «سیاست پاک و منزه»، هیئت حاکمه کنونی در حال استقرار دولت پلیسی و نژادپرست دولتی است. هیئت حاکمه کنونی کارگران مهاجر را دستگیر و در گروه های دسته جمعی به همراه خانواده و بچه هایشان از فرانسه اخراج می کند. بچه هایی که در مدارس دولتی در حال تحصیل می باشند. وقتی که در تابستان امسال، چندین خانواده بی بضاعت و تنگدست در مساکن ناسالم واقع در قلب پاریس در میان شعله های آتش سوختند، تنها جواب سارکوزی وزیر کشور، اعزام پلیس نظام «جمهوری» و بیرون انداختن و سرکوب این تیره بختان بود. خشونت بی حد و حصری که هم اکنون به جوانان نسبت داده می شود، در وحله اول جواب خودبخودی است به خشونت باورنکردنی و مرحله ای جامعه سرمایه داری. جامعه سرمایه داری که با بیکاری، فقر و تنگدستی، ساختن بازداشتگاه، سرکوب کور و خشن، انهدام بخش دولتی و دستاوردهای اجتماعی، بی ثباتی عمومی جوانان، تخریب و انکار ارزش های مترقی، تلاش دائمی از طریق رسانه های گروهی و کتابهای درسی برای بی اعتبار ساختن جنبش کارگری - تاریخ جنبش کمونیستی و ایده آل انقلابی - زندگی و سرنوشت میلیون ها تن را نابود می سازد.

در چنین شرایطی، چگونه می توان از جوانان بدون آینده در جامعه منحرف و در ورطه سقوط انتظار داشته و خواست که «نباید بشکنند». آنهم در شرایطی که مسئولان بلندپایه کشور، آراء توده مردم در روز ۲۹ ماه مه را نادیده می گیرند. آنهم در زمانی که به طور مرحله ای سازمان بیمه های اجتماعی، اقتصاد دولتی، صنایع ملی، کشاورزی خانوادگی، آموزش و پرورش عمومی، حقوق بیکاری، قانون کار، حقوق و امتیازات بازنشستگی، توسط سران رژیم شکسته و نابود می شوند. آنهم زمانی که برای افزایش بهای گاز و بنزین، به ضرب و شتم اعضای اتحادیه دانشجویان چراغ سبز نشان می دهند. آنهم زمانی که علیه ملوانان اعتصابی کمپانی ملی کشتیرانی جزیره کورس، اکیپ کماندویی برای عملیات ویژه اعزام می دارند و ایالات متحده بوش افراط گر را به عنوان نمونه و سمبل معرفی می نمایند. چگونه می توان جوانان حاشیه نشین مهاجرالاصل را متهم به عدم «جذب شدن» در جامعه فرانسه نمود، وقتی که دولت «فرانسه» خود در حال پیشبرد سیاست «دفع» می باشد. دولتی که در حال تخریب کمپانی های دولتی (کمپانی ملی کشتیرانی کورس، کمپانی برق فرانسه، کمپانی ملی راه آهن فرانسه، شرکت هواپیمایی ملی فرانسه ، ...)، انهدام استقلال کشور و بازگذاشتن دست سرمایه داران - ولگرد - برای نقل مکان دادن کارخانجات و موسساتشان به مناطق و کشورهای جهان سوم و توسعه نیافته میباشند؟ دولتی که به بوروکرات های مستقر در بروکسل امکان و اجازه می دهد برای این کشور تعیین تکلیف نمایند. در مجموع، انفجار اجتماعی کنونی، از مشخصات بحران عمومی جامعه سرمایه داری است. جامعه ناتوان از ایجاد و ترسیم چشم انداز و آینده ای عاری از ناامنی اجتماعی و فردگرایی عمومی.

جریانات موسوم به «چپ»، مسئولیت سنگین و غیرقابل انکاری در آشفتگی کنونی جوانان دارند. حزب سوسیالیست در کنار حزب حاکم کنونی، شریک جرم و مسئول تطبیق و اجرای سیاست اروپایی اتخاذ شده در بروکسل است. سیاستی که در حال تجزیه ملت فرانسه و نابود ساختن دستاوردهای اجتماعی - سیاسی جنبش مقاومت فرانسه علیه اشغالگران فاشیست هیتلری و انقلاب کبیر فرانسه می باشد. در مورد حزب کمونیست فرانسه نیز باید اضافه نمود که این حزب امروزه به هیچ وجه پناهگاه و راهگشای مشکلات جوانان شورشی بخصوص در منطقه سن سن دنی (منطقه ای زحمتکش نشین واقع در شمال پاریس) نیست. حزبی که دست در دست حزب سوسیالیست (از سال ۲۰۰۰-۱۹۹۷)، در دوره دولت لیونل ژوسپن در خصوصی سازی عمومی اقتصاد کشور مشارکت نمود.

با وجود همه اینها، عکس العمل جوانان حاشیه نشین فاقد دید و آگاهی طبقاتی است و بیانگر نوعی خشونت نهیلیستی است. در شرایط فقدان تجزیه و تحلیل سیاسی، برنامه سیاسی تدوین شده توسط حزب کمونیست واقعی بسیج کننده و متشکل کننده کارگران و جوانان در مبارزه برای انقلاب اجتماعی، اقلیتی از جوانان دست به اقدامات خشونت آمیز غیرقابل قبول علیه مأمورین آتش نشانی و معلمین و همچنین علیه امکانات آموزشی مدارس و مراکز اجتماعی در محلات فقیرنشین که حاصل مبارزات نسل های گذشته می باشند، می شوند. این جوانان محل آسایش، آرامش، امنیت و اموال افرادی هستند که خود از استثمار و بهره کشی نظام سرمایه داری رنج می برند. در شرایط فقدان حزب کمونیست واقعی که به طور پیگیر شرایط سیاسی را تجزیه و تحلیل نماید - همانند دوره ای که حزب کمونیست از مواضع مارکسیست لنینیستی دفاع می کرد - محلات و شهرک های کارگر و زحمتکش نشین بسیاری بحال خود رها شده و در اختیار قاچاقچیان مواد مخدر و بعضا مرتجعین وابسته به محافل مذهبی افراطی، گذاشته می شوند.

جوانان خشمگین! خشم و نفرت شما قابل درک است: اما سوزاندن اتومبیل کارگران و تخریب آپارتمان های هاش.ال.ام کارگران، بازنشستگان و بیکاران مشکل شما را حل نخواهد کرد. راه حل مشکلات و معضلات فعلی، تعرض به مأمورین آتش نشانی، معلمین و مددکاران اجتماعی که با حقوق حداقل ماهیانه، وظیفه سنگینی را بر دوش می کشند، نیست. مسئول و عامل فقر، تنگدستی و بیکاری شما نظام سرمایه داری است که باید مشترکا و همزمان هدف حمله قرار گیرد. باید با تشکیل و برپایی جبهه واحد و آلترناتیو خلقی، برای کنار زدن فاشیست ها از قدرت و سرجای خود نشانیدن سندیکای صاحبان صنایع، تلاش نمود. در این راستا باید از اتحادیه اروپای سرمایه داران کناره گیری کرده و از اشتغال صنعتی و اقتصاد دولتی دفاع نمود. باید با فعالیت در کارخانجات، ادارات دولتی، دبیرستان ها، دانشگاهها و شهرک های کارگر و زحمتکش نشین، برای استقرار حاکمیت کارگران تلاش و مبارزه نمود.

کارگران فرانسوی و مهاجر، جوانان مدارس - دانشگاهها - شرکت ها و آژانس های کاریابی: شما جوانانی هستید که از مشکل بیکاری و ناامنیتی اجتماعی رنج می برید. شما جوانانی هستید که امروزه گناه جوان بودن را بر دوش می کشید.

متحد شوید. شورش بر حق شما می باید در اتحاد با تمام استثمارشدگان علیه سرمایه بزرگ به پیش برده شود. نتایج رفراندوم قانون اساسی اروپا - ۲۹ مه ۲۰۰۵ - نشان داد که حاکمان کنونی و چپ قلابی (حزب سوسیالیست) در اقلیت می باشند! پس، بدون این که در انتخاب خود اشتباه کنید، با پیوستن به کارگران مبارز بخش دولتی و کارگران بیکار شده کمپانی هایی که تعطیل و به کشورهای جهان سوم اسباب کشی نموده اند، با متحد شدن در کارخانجات، دبیرستان ها و دانشگاهها، بدون در نظر گرفتن مذهب و رنگ پوست، با مرزبندی با هرگونه خشونت بین جوانان و شهروندان زحمتکش و استثمار شده، بیاد آورید جملات اولین قانون اساسی جمهوری فرانسه را (۱۷۹۳): وقتی که قدرت حاکمه حقوق توده های مردم را زیر پا و پایمال می نماید، حق قیام کردن برای شهروندان، محترم ترین و مقدس ترین حقوق ها و عالی ترین و پرافتخارترین وظیفه ها به حساب می آید.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

web:<http://www.iranian-fedaii.de>

em:organisation@iranian-fedaii.de

Address: A.C.P-Postfach 12 02 06 - 60115 Frankfurt am Main-Germany **Fax:**+49-221-170 490 21